

## برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی

دکتر رضا شیرزادی\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۱۲ و تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۳)

### چکیده

روند توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، با همه ویژگی های خود، بخشی از تلاش برای آبادانی و عمران در تاریخ ایران معاصر به شمار می آید. بی تردید برنامه های توسعه در این دوره، بیش از هر چیز متأثر از تحولات، نیازها و الزامات داخلی بوده است. ضمن این که فشارهای خارجی ناشی از تحولات بین المللی از جمله جهانی شدن را نمی توان نادیده گرفت. این دوره از جهت نظری و عملی همراه با فراز و فرودهایی بوده است و پژوهش حاضر درصدد است تحول این برنامه ها را نشان دهد.

### کلید واژگان

توسعه، رشد، برنامه ریزی، توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی.

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم سیاسی، کرج، ایران.

## مقدمه

سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همچون دیگر دوره های تاریخ معاصر ایران، شاهد تلاش برای توسعه و پیشرفت جامعه ایران بوده است. در این دوره (۱۳۵۷-۱۳۸۸) چهار برنامه توسعه، تدوین و به اجرا گذاشته شد که کم و کیف آنها یکسان نبوده و تنوعات و تفاوت هایی داشته اند. پژوهش حاضر سعی دارد ضمن بررسی عمومی برنامه ها، تفاوت آن ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و اهمیت پژوهش حاضر در آن است که نقطه شروع و وضعیت فعلی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی را ترسیم می کند. سؤال اساسی که می توان در این چارچوب مطرح کرد، این است که توسعه در برنامه های بعد از انقلاب اسلامی چه تحول مفهومی را طی کرده است؟ و فرضیه اصلی پژوهش حاضر نیز این است که توسعه در برنامه های پس از انقلاب اسلامی، از مفهوم رشد و توسعه اقتصادی به مفهوم توسعه همه جانبه، تحول یافته است.

### ۱. مفاهیم نظری

در این بخش مفاهیم اصلی پژوهش از بُعد نظری مورد بررسی قرار گرفته و زمینه لازم برای بررسی مسائل مربوط به ایران فراهم می شود.

#### الف. رشد اقتصادی<sup>۱</sup>

رشد اقتصادی (بريجانين، ۱۳۷۳: ۲۵۷) به معنی افزایش درآمد ملی، محصول ناخالص ملی و تولید ملی طی زمان طولانی است. بنابراین، آهنگ افزایش درآمد ملی یا میزان تولید کالاها و خدمات در یک کشور مورد نظر می باشد و در برگیرنده افزایش در ظرفیت تولید کالاها و خدمات یک ملت یا یک ناحیه همراه با افزایش تولید این کالاها و خدمات است. (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۶۱۰)

به این ترتیب رشد اقتصادی، افزایش تولیدات اقتصادی طی یک سال یا یک دوره زمانی معین است که معمولاً به صورت درصد بیان می شود و افزایش سطح درآمد ملی را در پی دارد. (ازکیا، ۱۳۷۹: ۱۶)

پس، رشد اقتصادی پدیده ای صرفاً کمی است. (جبروند، ۱۳۶۸: ۸۵).

<sup>۱</sup> - Economic Growth

## ب. توسعه<sup>۱</sup>

توسعه به عنوان بهبود کیفی و مقداری در وضع یک واحد اقتصادی تعریف شده است. (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۵۳۳) توسعه جریانی است که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد و علاوه بر این که بهبود میزان تولید و درآمد را به دنبال می‌آورد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است و حتی عادات و رسوم و عقاید آنها را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین توسعه عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد آن که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است.

(Kingsbury and..., 2004: 24-25)

امروزه تلقی از مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه است، از این رو، ابعاد مختلف توسعه ملی عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، و توسعه امنیتی.

## پ. تحول مفهوم توسعه

برای نظریه پردازان اولیه، توسعه صرفاً به معنای رشد درآمد سرانه در مناطق اقتصادی کم توسعه یافته، بود. این هدف توسط آرتور لوتیس در سال ۱۹۴۴ ترویج شد و منشور ملل متحد نیز در سال ۱۹۴۷ تلویحاً به آن اشاره نمود. بر این اساس، سازمان ملل رشد سالیانه ۷-۵ درصد را برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفت. بر اساس دیدگاه‌های اولیه توسعه، امور اقتصادی از امور غیراقتصادی توسعه (امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) متمایز شده و در اولویت قرار گرفته است و به مرور، ایجاد توازن میان این جوانب ضروری شناخته شد. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در این راستا در سال ۱۹۶۲ تلفیق هر دو جنبه توسعه را پیشنهاد کرد. در همان سال پیشنهادهایی برای اولین دهه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۶۰-۷۰)، مطرح شد که چنین اذعان می‌داشتند: «مسأله کشورهای کم توسعه یافته، توسعه است و نه فقط رشد،... توسعه عبارتست از رشد به علاوه دگرگونی، و دگرگونی هم نه فقط جنبه

<sup>۱</sup> - Development

اقتصادی و کمی بلکه جنبه اجتماعی و فرهنگی و کیفی هم دارد. ...مسأله اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی مردم دانست.» (زاكس، ۱۳۷۷: ۲۴)

در پایان دهه ۱۹۶۰ عوامل بسیاری، خوش بینی درباره رشد اقتصادی را مورد تردید قرار داد که عبارت بودند از: آشکار تر شدن نارسایی های سیاست ها و فرآیندهای جاری، لزوم تلفیق ابعاد اقتصادی و غیر اقتصادی توسعه، روشن شدن ملازمت رشد سریع با نابرابری های فزاینده. بر خلاف اولین دهه توسعه که در آن جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه از هم جدا مانده بودند، دومین دهه توسعه به سوی تلفیق دو جنبه توسعه معطوف شد. بنابراین، در برنامه های جدید می باید به مسائل زیر توجه می شد:

- ۱- حذف نشدن بخش های مختلف جمعیت از قلمرو توسعه.
  - ۲- ایجاد دگرگونی ساختاری در جهت مشارکت تمامی بخش های جمعیت در فرآیند توسعه.
  - ۳- تعقیب عدالت اجتماعی و از جمله، تلاش برای توزیع عادلانه درآمد و ثروت بین همه مردم.
  - ۴- اولویت برای توسعه توانایی های انسانی، تأمین فرصت های شغلی و نیازهای کودکان.
- بنابراین دومین دهه توسعه مسائل جدیدی از جمله مشارکت، محیط زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان و اشتغال را مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۷۶، ارضای نیازهای اساسی جمعیت هر یک از کشورهای اولین و مهم ترین بخش برنامه عمل کنفرانس سه گانه جهانی درباره اشتغال، توزیع درآمد و پیشرفت اجتماعی و تقسیم کار بین المللی را تشکیل می داد.
- دهه ۱۹۸۰، دهه از دست رفته برای توسعه خوانده شد. بر خلاف کارنامه چشمگیر چهار کشور موسوم به بیره های آسیا (تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ و کره جنوبی)، در دهه ۱۹۸۰ فرآیند تعدیل اقتصادی برای بسیاری از کشورها به معنای کنار گذاشتن یا ویران نمودن اکثر دستاوردهای گذشته به نام توسعه بود. (همان: ۳۰-۲۵).

در مقابل، در دهه ۱۹۹۰ روند توسعه با نظریه توسعه انسانی، جان دوباره ای یافت.

### ت. اهداف توسعه

با توجه به تحویلی که طی بیش از شش دهه در مفهوم توسعه به وجود آمد، امروزه اهداف توسعه عبارتند از:

۱- دستیابی به رشد اقتصادی (رشد تولید سرانه جمعیت و در شکل کلان، رشد سالانه تولید ناخالص ملی)

۲- کاهش فقر مطلق (کاهش میزان جمعیتی که پایین تر از سطح استاندارد رفاه، خواه از نظر درآمد یا مصرف زندگی می کنند) و به عبارت دیگر، کم کردن نابرابری یعنی اختلاف درآمد و ثروت میان مردم.

۳- گسترش خدمات اجتماعی همچون دسترسی عمومی به آموزش، بهداشت، ارتباطات و اطلاعات.

۴- گسترش دموکراسی و مشارکت اجتماعی به عنوان عامل تحکیم بخش و تضمین کننده توسعه اقتصادی.

روی هم رفته تمامی موارد فوق هدفی یگانه را دنبال می کنند و آن، جامعه ای است که با تأکید بر انسان، نیازهای مادی و معنوی را به نحو رضایتبخشی تأمین می کند. (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۲۰)

## ۲. برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی

نوسازی در ایران، به دوره صفویه باز می گردد و با اصلاحات برادران شرلی آغاز شد. البته برنامه های آنان به سرانجام نرسید و اصلاحات، تا دوره قاجاریه به تأخیر افتاد. در دوره قاجار، اقداماتی از سوی عباس میرزا (ولیعهد)، میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار (صدر اعظم های ناصرالدین شاه) برای ایجاد اصلاحات در زندگی سنتی جامعه ایران صورت گرفت که همگی تا حدودی پیش رفت و نهایتاً ناکام ماند. در مرحله بعد، نوسازی از دوره رضا شاه پهلوی آغاز شد و پس از آن در دوره محمد رضا شاه پی گرفته شد. در دوره پس از انقلاب اسلامی، برنامه های توسعه در شرایطی متفاوت پیگیری شدند که به بررسی آنها می پردازیم.

### الف. دهه اول انقلاب اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اقتصاد کشور دستخوش تحولات و نوسانات شدیدی شد که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: اول، دولتی کردن گسترده عرصه های اقتصادی در دوره پس از انقلاب؛ دوم، وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله؛ سوم، فرار سرمایه های خصوصی؛ چهارم، از کشور خارج شدن یا کنار گذاشتن نیروی انسانی متخصص؛ و پنجم، تحریم های اقتصادی علیه ایران.

در سال های آغازین جنگ، تصمیم گیران سیاسی - اقتصادی، جنگ را در بردارنده مشکلات زیادی برای کشور نمی دانستند و در صدد نبودند که سیاست های اقتصادی را مطابق شرایط جنگی تغییر دهند. به همین دلیل، یک سال بعد از شروع جنگ، سال برنامه ریزی اعلام شد و برنامه اول توسعه ایران طراحی گردید، اما مجال اجرا نیافت. در دوره جنگ، صنایع پایه بزرگی همچون صنایع آذر آب، افتتاح شدند. بنابراین، دولت بر آن بود که در هر حال جنگ را ادامه دهد و نیازهای جنگ را از نظر مالی، پشتیبانی و نیروی انسانی تأمین کند، بدون این که مجبور باشد محدودیت‌هایی را به اقتصاد تحمیل نماید. این برداشت از زاویه‌ای دیگر درست بود به دلیل این که اقتصاد ایران علی‌رغم همه ظواهر و تأسیسات مدرن و صنعتی آن، بنیادش بر اقتصاد سنتی مبتنی بر کشاورزی و درآمدهای نفتی استوار بود و این بخش در سال های اولیه جنگ، متحمل خسارات زیادی نشدند. بخش کشاورزی کشور، بخش پیشرفته با تکنولوژی بالا نبود که با تولید محدود، ساختارها را به هم بریزد و دولت را تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر با وجود کاهش تولید نفت، قیمت‌ها رشد کرد و درآمد کشور را بالا برد. تا سال ۱۳۶۵ این وضعیت ادامه داشت تا این که در این سال قیمت نفت سقوط کرد و به زیر ۱۰ دلار در هر بشکه رسید. علاوه بر این، حجم صادرات نفت نیز به مرور محدود شده بود و در نتیجه درآمد نفت به زیر ۶ میلیارد دلار رسید. در این شرایط، جنگ چهره بحرانی خود را نشان داد. از سال ۱۳۶۵ به دلیل کمبود منابع مالی، برنامه‌ها و طرح های عمرانی، صنعتی، کشاورزی و... متوقف شد. این بحران در سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ شدت یافت. (عظیمی، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۵).

روی هم رفته، وجود جنگ تحمیلی را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین ویژگی های اقتصادی کشور در سال های ۶۷-۱۳۵۹ دانست که مجال برنامه ریزی را کاهش داد و بخش عمده‌ای از ذخایر سرمایه‌ای از دست رفت. در طی دوره مزبور، به دلیل به کارگیری بخش عمده‌ای از عوامل تولید در جنگ تحمیلی و صرف بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی جهت تأمین هزینه‌های دفاعی کشور و اختصاص سهم عمده‌ای از بودجه دولت در راستای تأمین هزینه‌های جنگ تحمیلی، فرصت از ایجاد سرمایه‌گذاری های جایگزین گرفته شد. مشکلات یاد شده از طرفی و نیز قرار گرفتن بخش مدیریت و نیروی انسانی کشور در خدمت جنگ از سوی دیگر، از جمله خسارات مهمی بودند که کشور برای حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ملی در طی دوره مذکور متحمل شد.

## ب. دوره ۷۶-۱۳۶۸

طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۵۷ (۱۹۸۹-۱۹۷۸) درآمد سرانه کشور تقریباً ۴۵ درصد کاهش یافت، یعنی از ۱۰۷۰۴۲ ریال (بر اساس ارزش ریال در سال ۱۹۷۵) به ۵۸۵۶۰ ریال تقلیل پیدا کرد. در این دوره، تأمین مواد غذایی برای شهروندان، مهم ترین مسأله دولت محسوب می شد، زیرا واردات گندم از ۱/۲ میلیون تن به میزان ۵/۳ میلیون تن افزایش یافته و مصرف گندم از ۵/۹ میلیون تن به رقم ۱۰/۶ میلیون تن رسیده بود. تولید داخلی گندم نیز در سال های ۹۰-۱۹۸۹ تقریباً به همان میزان سال ۸-۱۹۷۷ یعنی ۵/۵ میلیون تن باقی مانده بود. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۷)

پس از پایان جنگ هشت ساله، مشخص شده بود که تبعات منفی اقتصادی جنگ و عملکرد اقتصاد دولتی، کارآمد نبوده است. از این رو لازم بود تحولی در رویه سیاست گذاری و اولویت های اقتصادی ایجاد شود. به این ترتیب، دولت از یک سو تحت تأثیر مشکلات اقتصادی داخلی و از سوی دیگر تحت تأثیر حاکمیت سرمایه داری و اقتصاد بازار بر جهان، به دنبال شکست و فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی با اولویت دادن به ملاحظات اقتصادی و توسعه اقتصادی، اصلاحاتی را آغاز نمود که اولاً بخش خصوصی نقش عمده را در اقتصاد بازی کند و ثانیاً حوزه مشارکت سرمایه خارجی در اقتصاد ملی گسترش یابد. آزادسازی، خصوصی سازی، ادغام در بازار جهانی، سیاست درهای باز، تشویق سرمایه گذاری های خارجی و در نهایت سیاست تعدیل اقتصادی، نمود این جهت گیری های جدید بود و این درست در نقطه مقابل سیاست اقتصادی دهه اول انقلاب به شمار می رفت.

به این ترتیب در آغاز دهه دوم انقلاب، سیاست های اقتصادی دولت تغییر یافت و بر اساس آن، دو برنامه توسعه اقتصادی- اجتماعی، تدوین و اجرا شد.

### ۱- برنامه اول توسعه اقتصادی- اجتماعی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

برنامه اول توسعه اقتصادی در دوره پس از انقلاب، در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۸ با اعتبار عمرانی معادل ۸۱۸۹ میلیارد ریال به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ را در بر می گرفت. عمده ترین اهداف این برنامه عبارت بودند از:

۱- بازسازی و تقویت ظرفیت‌های دفاع ملی، بازسازی مراکز تولیدی و جمعیت خسارت دیده در طول

جنگ تحمیلی

۲- ایجاد رشد اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم

۲- تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم و تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی

۳- تعیین و اصلاح الگوی مصرف

۵- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۹۹-۱۹۸).

برنامه اول توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی ایران که در شرایط خاص سال ۱۳۶۷ و با فقدان اطلاعات و آمار کافی و دقیق تهیه شد، برنامه‌ای به منظور راه اندازی اقتصاد و سوق دادن آن به طرف اقتصاد کمتر دولتی بود. در این برنامه، رشد اقتصادی و فرهنگی از راه افزایش اعداد و ارقام مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی و تأسیسات اجتماعی، منظور شده و به مسأله کیفی توسعه، یعنی پیدا شدن تحول روحی و فکری در مردم جامعه و طرز تفکر آنها نسبت به محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، توجهی مبذول نشده بود.

## ۲- برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۷۳)

برنامه دوم توسعه اقتصادی در سال ۱۳۷۴ با اعتبار عمرانی معادل ۱۰۵۰۲۹ میلیارد ریال شروع شد و تا پایان سال ۱۳۷۸ ادامه یافت. این برنامه با یک سال فاصله از پایان برنامه اول، به تصویب رسید و با توجه به امکان کسب درآمدهای ریالی فراوان و آسان از راه بالا بردن ارزش دلارهای نفتی و کاهش ارزش ریال، از نظر اعتبارات از رشد جهشی ۱۲/۸ برابر نسبت به برنامه اول، برخوردار شد. (رزاقی، ۸۹)

اهداف کلان برنامه دوم توسعه اقتصادی عبارت بودند از:

۱- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، رشد فضایل و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه

۲- افزایش بهره‌وری

۳- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز

۴- رشد اقتصادی با محوریت کشاورزی

۵- توسعه صادرات غیرنفتی



- ۶- حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور
  - ۷- تقویت بنیه دفاعی کشور
  - ۸- تلاش در جهت حاکمیت قانون و تقویت مشارکت عامه مردم
  - ۹- تقویت تحقیقات
  - ۱۰- ایجاد تعادل در بخش های اقتصادی- تعاونی، خصوصی و دولتی (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).
- به طور خلاصه، اهداف و سیاست های اقتصادی برنامه دوم توسعه اقتصادی نیز اساسا در چارچوب رشد اقتصادی معنا پیدا می کرد.

### پ. دوره ۸۸-۱۳۷۶

در این دوره، دو برنامه توسعه (سوم و چهارم) تدوین شد که به بررسی آنها می پردازیم.

### ۱- برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف حصول خودکفایی و خوداتکایی تدوین شدند و برنامه سوم توسعه به انگیزه انجام «اصلاحات ساختاری» تهیه و تدوین گردید. تجربیات سال های ۷۷-۱۳۷۶ در اثربخشی سیاست های اقتصادی- اجتماعی و نیز ارزیابی برنامه های اول و دوم توسعه، به دولت امکان داد تا در سال ۱۳۷۸ به تدوین برنامه سوم مبادرت نماید. سیاست های برنامه سوم توسعه با توجه به ضرورتها و نیازها و چالش های جامعه و ترسیم افق ها و چشم اندازهای کشور در دهه سوم انقلاب، تنظیم شد. قانون برنامه سوم توسعه در جلسه علنی مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تایید شورای نگهبان رسید. در مقدمه قانون برنامه سوم توسعه آمده است: «این برنامه ضرورت ها و چالش های اساسی کشور در سال های آتی نظیر جوانی جمعیت، افزایش سطح مشارکت اجتماعی، اهتمام به امر اشتغال و فراهم آوردن رشد اقتصادی مورد نیاز برای کاستن از نرخ بیکاری فعلی، توسعه منابع انسانی و فناوری و بهره مندی از منابع و امکانات کشور و مزیت های متعدد آن را مورد توجه جدی قرار داده است و بر اساس سیاست های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و با استفاده از دانش و تجربه کارشناسان، مدیران و مسئولان

دستگاه های اجرایی و صاحب نظران مراکز علمی و تحقیقاتی تنظیم شده است. بنابراین می تواند به عنوان سند وفاق ملی تلقی شده و مجموعه فعالیت های سال های آینده را به نحوی منسجم و هدفمند هدایت نماید.» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲: هفده و هجده)

چالش های بزرگ کشور در دهه سوم انقلاب، ایجاد سالانه بیش از ۷۴۵ هزار فرصت شغلی برای جمعیت جوان و تحصیل کرده، ارتقاء جایگاه اقتصادی کشور در سطح بین المللی در مواجهه با جریان کلی یکپارچه شدن بازارهای مالی و بازارهای کالا و خدمات در اقتصاد جهانی بود. تحولات عمیق در عرصه فن آوری در دنیا و رقابت شدید کشورهای پیشرفته برای کسب رهبری علمی و فنی، تبعات اجتناب ناپذیری در مسائل سیاسی و امنیت بین المللی به دنبال داشت. بنابراین با درک این واقعیت که کشور، گریزی از اصلاحات عمیق ساختاری برای کسب آمادگی مواجهه با چالش های درونی و بیرونی یاد شده را ندارد، برنامه سوم توسعه، به یک برنامه اصلاح ساختاری تبدیل شد. به طور کلی برنامه سوم توسعه، یک برنامه همه جانبه برای تنظیم حرکت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حاوی خط مشی ها و سیاست هایی در جهت زیر بود:

- ۱- اصلاح ساختار اقتصادی از طریق سامان دهی انحصارها و واگذاری سهام شرکت های دولتی به بخش های تعاونی و خصوصی
- ۲- اصلاح مدیریت بخش عمومی از طریق کاهش تصدی دولت در فعالیت های اقتصادی و تمرکز آن بر امور حاکمیتی و اصلاح ساختار اداری دولت
- ۳- اتخاذ سیاست های مناسب برای اصلاح عملکرد بازارهای پول، سرمایه، کار، کالا، خدمات و افزایش کارایی و تسریع رشد اقتصادی
- ۴- بهبود توزیع درآمدها و هدفمند کردن یارانه ها
- ۵- عدم تمرکز و واگذاری اختیارات بیشتر به مقام های استان ها و زمینه سازی برای مشارکت شوراهای اسلامی شهر و روستا در مدیریت کشور

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۲۶ فصل، ۱۹۹ ماده و دو قسمت حوزه های فرابخشی و بخشی تنظیم شد که عمده ترین محور های آن عبارت بودند از: کاهش تصدی دولت و گسترش بخش خصوصی و مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی، عدالت

برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی ◇

اجتماعی، تمرکززدایی، دسترسی عمومی به اطلاعات، حفاظت از محیط زیست، راهبرد توسعه صادرات، توجه به تحولات فرهنگی جامعه، ارایه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، دسترسی همگانی به غذا. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲).

روی هم رفته این موارد، اجزاء توسعه همه جانبه و جامع‌نگر را تشکیل می‌دادند. دامنه این جامع‌نگری در برنامه چهارم باز هم گسترده‌تر شد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در یازدهم شهریور سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس رسید و پس از تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام و موافقت مقام معظم رهبری، لازم‌الاجرا گردید. این برنامه در ۶ بخش، ۱۵ فصل و ۱۱۴ ماده تنظیم شده است و عناوین بخش‌های آن عبارتند از:

۱- رشد اقتصاد ملی دانایی محور در تعامل با اقتصاد جهانی

۲- حفظ محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای

۳- توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

۴- صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی

۵- تأمین مطمئن امنیت ملی

۶- نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مکمل برنامه سوم توسعه بود و حتی در مواردی برخی از مواد برنامه سوم عیناً در آن تکرار شده، در عین حال مواد متعددی با توجه به تحولات بین‌المللی اضافه شده است. عمده‌ترین مواد این برنامه عبارت بودند از: تعامل با اقتصاد جهانی، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه دانایی محور، برابری فرصت های آموزشی، حفظ محیط زیست، امنیت غذایی و سلامت عمومی، دسترسی همگانی به خدمات بهداشتی، استقرار عدالت و کاهش نابرابری های اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، حقوق انسانی و

شهروندی، حفظ و شناسایی هویت تاریخی ایران، تنش زدایی در مناسبات بین الملل، امور زنان، امنیت ملی، توسعه امور قضایی، نوسازی دولت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳).  
روی هم رفته برنامه چهارم توسعه در تداوم جامع‌نگری برنامه سوم، مواردی را در مرکز توجه و تأکید قرار می‌دهد و ترکیبی از اهداف توسعه ملی را ارائه می‌کند که با توجه به شاخص‌های شناخته شده رایج، معطوف به توسعه همه جانبه است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

همچنان که ملاحظه شد، معنای رشد اقتصادی عبارتست از درصد افزایش تولیدات اقتصادی ملی طی یک سال یا یک دوره زمانی مشخص که افزایش سطح درآمد ملی را در پی دارد. همچنین مفهوم توسعه علاوه بر این که بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی و حتی دیدگاه‌های عمومی مردم است. بنابراین، توسعه دارای ابعاد و وجوه مختلف اقتصادی و غیراقتصادی می‌باشد.

در دوره جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۸۸، چهار برنامه توسعه اقتصادی تدوین و اجرا شد. ویژگی اصلی دو برنامه اول و دوم توسعه در این دوره، توجه به رشد اقتصادی و افزایش شاخص‌های کمی بود. و برنامه های سوم و چهارم توسعه، گرایش به توسعه همه جانبه و توسعه در جامعیت آن، داشتند. برنامه سوم مواردی همچون کاهش تصدی دولت و گسترش مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی، عدالت اجتماعی، تمرکززدایی، دسترسی عمومی به اطلاعات، حفاظت از محیط زیست، راهبرد توسعه صادرات، توجه به تحولات فرهنگی جامعه، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، و دسترسی همگانی به غذا را مورد توجه قرار داد. همچنین برنامه چهارم توسعه نیز مواردی همچون تعامل با اقتصاد جهانی، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه دانایی محور، برابری فرصت‌های آموزشی، حفظ محیط زیست، امنیت غذایی، دسترسی همگانی به خدمات بهداشتی، استقرار عدالت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، ارتقاء سرمایه اجتماعی، تامین حقوق انسانی و شهروندی، حفظ و شناسایی هویت تاریخی ایرانی، تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی، امور زنان، امنیت ملی، توسعه امور قضایی، و نوسازی دولت را مورد توجه قرار داد. به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بیان نمود که با توجه به معنای متمایز رشد (جنبه

برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی ◇

اقتصادی و عمدتاً کمی آن) و توسعه که شامل دگرگونی در ابعاد مختلف و اساسی ساخت‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی دیدگاه‌های عمومی مردم می‌شود و همچنین با ملاحظه جامعیت مفهوم توسعه، برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، از مفهوم رشد اقتصادی به مفهوم توسعه همه‌جانبه، گرایش یافته‌اند.

## منابع

- احتشامی، انوشیروان، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد، دفاع، امنیت*، ترجمه دکتر ابراهیم متقی و زهره پوستین چی (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸).
- ازکیا، مصطفی، *جامعه‌شناسی توسعه* (تهران: نشر کلمه، چاپ دوم، ۱۳۷۹).
- بریجانیان، ماری، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی* (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۳).
- بهشتی، محمد باقر، «تأثیر ارزیابی برنامه‌های گذشته در تدوین برنامه‌های آینده ایران»، *مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران*، برگزارکنندگان: دانشگاه علامه طباطبایی، سازمان برنامه و بودجه (تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، ۱۳۷۸).
- تابش، احمد، *اندیشه توسعه و برنامه‌ریزی در ایران* (تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳).
- جیروند، عبدالله، *توسعه اقتصادی* (تهران: انتشارات مولوی، چاپ دوم، ۱۳۶۸).
- حسین زاده بحرینی، محمد، «پارادایم‌ها و دیدگاه‌های نظری برنامه‌ها و نوع نگرش آنها به توسعه»، *مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران*، برگزارکنندگان: دانشگاه علامه طباطبایی، سازمان برنامه و بودجه (تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، ۱۳۷۸).
- زاکس، ولفگانگ، *نگاهی نوبه مفاهیم توسعه*، ترجمه دکتر فریده فرهی و وحید بزرگی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷).
- سازمان برنامه و بودجه، *سابقه برنامه‌ریزی در ایران* (تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۲).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)* (تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۸۳).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)* (تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۸۲).

برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی ◇

- شیرزادی، رضا، *نوسازی، توسعه، جهانی شدن؛ مفاهیم، مکاتب و نظریه ها* (کرج: حق یاوران، ۱۳۸۶).

- عظیمی، حسین، «تحلیل شرایط و سیاست های اقتصادی در دوره جنگ ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰.

- فرهنگ، منوچهر، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی* (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۱).

- Cypher, James M., and James L. Dietz, *The process of Economic Development*, (London and New York: Routledge, 2004).

- Kingsbury, Damien, Joe Remenyi, John Mckay and Janet Hunt, *Key Issues in Development*, (New York: Palgrave, 2004).